

ایران‌شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی / ایرج افشار
- کتابهای تازه ایران‌شناسی / تورج دریایی

قاردها و پاره‌های ایرانشناسی (۲۳)

دفترهای آسیای مرکزی

فرانسویها چند سال است که در شهر تاشکند مؤسسه علمی فعالی برای مطالعات مربوط به آسیای مرکزی (همان ماوراءالنهر مرسوم خودمان) تشکیل داده‌اند و نشریه خوب خوبی چاپ پر مطلبی به نام دفترهای آسیای مرکزی Cahiers d'Asie Centrale از جانب آن مؤسسه منتشر می‌کنند که از لحاظ ایرانشناسی و قلمرو فرهنگی امثال مانی و فردوسی واجد اهمیت و مورد استفاده است.

هفتمین دفتر آن را به موضوع بسیار جالب توجهی اختصاص داده و نامی بلند بر آن گذارده‌اند، این طور:

Patrimoine manuscrit et vis. actuelle de l'Asie Centrale Islamique

این دفتر گویای وضع کلی از جامعه فرهنگی و همه کتابخانه‌های مهم و میراث‌های خطی روزگاری است که در قلمرو پهناور ماوراءالنهر امیرنشینها و خانان وجود داشت. امیر بخارا برای خود بزرگی بود همچنانکه خان خیوه و امیر سمرقند. بعد از دوره شیبتیان اوضاع چنین می‌بود، اما با وجود آن همه فترتها و نزاعها و خودسریها و تاخت و تازا ادب و فرهنگ معنای خود را از دست نداده بود. هر دریاری مشوق شاعران و هنرمندان بوده‌اند.
این دفتر زیر نظر عاشوریک مؤمن‌آف و فرانسیس ریشارد و خانم ماریا ژوپه تدوین شده است.

فرانسس ریشارد از بزرگان نسخه‌شناسان امروزیست و خانم زویه از متخصصان تاریخ‌شناسی عصر تیموری و صفوی. این دو ایرانشناس دو فرانسه‌ای به‌ناماننده مقالات این دفتر عبارت است از:

معرفی مراکز ملی و مجموعه‌های خصوصی نسخ خطی در ازبکستان به قلم عاشریک مؤمنوف (تاشکند). طبق احصائیه‌ای که از نوشته ایشان توانستم استخراج کنم در ازبکستان ۴۰۳۹۹ نسخه خطی به خطوط اسلامی عربی موجودست. مقاله بعدی نوشته لاریسا (و لولا دخودوا (دوشنبه) درباره مجموعه خطی الکسندر سمونوف است. این مجموعه در مؤسسه تاریخ، باستانشناسی و مردم‌شناسی فرهنگستان علوم تاجیکستان در شهر دوشنبه نگاه‌داری می‌شود و یک صد و چهل و شش نسخه دارد. از جمله آنها تذکرة الاولیای مورخ ۷۰۰، احياء العلوم مورخ ۷۲۵، نزهة القلوب پرداخته شده در کتابخانه شاهرخ در هرات، سراج السالکین عبیدالله نقشبند، نجات الانس مورخ ۹۸۶ قدیمی است. در سومین مقاله، فرانسس ریشارد سخن می‌داند از نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس که آن نسخه‌ها بدلیل آسیای مرکزی مرتبط است. از جمله قسمتی از این نسخه‌ها آنهاست که در شهرهای ماوراءالنهر کتابت شده است و کفونهای نسخه‌ها گویای این مطلب است. بعضی از نسخه‌های پرتجمع و نفیس کار بخارا است. یا کتابهایی که در شهرهای آن نواحی صحافی شده است. فرانسوا دروش F. Deroche متخصص نسخه‌شناسی و محقق طراز اول خط کوفی در مقاله ریزه کارانه خود میزده ورق قرآن روی پوست آمو را که در لنگر اوزبکستان نگاه‌داری می‌شود شناسانده است با ذکر خصوصیات رسم الخطی.

این چهار مقاله در بخش مجموعه‌های نسخ قابل‌گرفته است. پس از آن بخش دانشمندان و ادبا آغاز می‌شود. مقاله نخست نوشته عاشریک مؤمنوف با همکاری ش. زیادف (تاشکند) اطلاعات تازه است درباره کتابخانه عارف مشهور محمد پارسا و معرفی نود و دو نسخه‌ای که از آن کتابخانه اکنون در فرهنگستان موجودست.

خانم ماریا زویه (فرانسه) گفتار پرمطلبی درباره ادبا، مشوقین آنها و کتابخانه‌ها در قرون شانزدهم و هفدهم با ذکر جزئیات مفید نوشته و با توجه به منابع متعدد خصوصیات یک ادیب متشخص آن روزگار را باز گفته و محیط ادبی آن دوران - مخصوصاً دکانها و قهوه‌خانه‌ها را که محل حضور افراد بود توضیح داده است. این مقاله باب آن است که به ترجمه درآید.

معرفی کتابخانه عبدالعزیزخان به قلم ی. پورتر (فرانسوی) نمونه دیگری است از گردآوری اطلاعات متنوع پراکنده و ریزریز درباره کتابخانه‌ای که اکنون نیست. بخش دیگر این دفتر به مباحث اسنادی مرتبط است. شادمان و خیدف (تاشکند) فهرست

کتابخانه ضدو ضیاء و اضمنا مالدیه است. صدر ضیاء از آخرین مرغان ادبی که کتب قلمی آسیای مرکزی بود. این مقاله جدولی به همراه دلدرد از مشخصات دو بلیت و هفتاد و هشت نسخه که در اختیار صدر بوده است.

از همین شادمان و حیدر با همکاروی آفانندیل اوکیفت مقاله ای درباره کتابهای که در دستگاه محمد رحیم خان دوم خان خیره پرداخته می شد، درج شده است. (مجله ضدو ضیاء، شماره ۱۰۰، ص ۱۰۰-۱۰۱) با دو گفتار سندی و کتیبه ای این مجلد پایان گرفته است. (مجله ضدو ضیاء، شماره ۱۰۰، ص ۱۰۰-۱۰۱) این مجله را به قصد نشان دادن مقاله های کتابشناسی آن معرفی کردم. ولی در نفی آن که خوانندگان را به اجمال از مندرجات دفترهای پیشین آن بی خبر نگذارم. در شماره دوم دفتر اول و دوم در سال ۱۹۹۶، نشر شد (ص ۳۶۶) و تقسیمات آن چنین است. از جغرافیا تا تاریخ (یک مقاله) - بازرگانان و پیشه وران (شش مقاله) - از معماری تا موسیقی (سه مقاله) - سیاسیات تاریخی (سه مقاله) - اطراف آسیای مرکزی (دو مقاله) - قسمت آخر عنوان تازه ها دارد و در آن مقاله ای را به صوفیه آسیای مرکزی در بحث سفرای بیرامتی و سعدیان درج است. عنوان خاص این مجلد «هند - آسیای مرکزی، راههای تجارت و انتقال اندیشه» و هفت مقالات به نحوی حول آن موضوع است. (مجله ضدو ضیاء، شماره ۱۰۰، ص ۱۰۰-۱۰۱) دفتر دوم و سوم در سال ۱۹۹۷، نشر شد (ص ۳۴۷) نویسندگان این دفتر ساریا سابتلی محقق متخصص عصر تیموری (کانادا)، بناتریس مائو محقق دیگر درباره عصر تیموری (امریکا)، بختیار باباجانف (تاشکند)، ماسامی هاندا (ژاپون) متخصص عصر صفوی، میخائیل بوتازدینی محقق ایتالیایی متخصص تاریخ تیموری و چندین دانشمند می باشند. عنوان خاص این مجلد «میراث تیموری» است و طبعاً همه مقالات به کارهای فرهنگی و اجتماعی آن سلسله در ایران و آسیای مرکزی مربوط می شود. (مجله ضدو ضیاء، شماره ۱۰۰، ص ۱۰۰-۱۰۱) دفتر پنجم و ششم که عنوان «بخارای شریف» دارد در تیمند و پنجام و دو نسخه حاوی هفده گفتار است و همه مربوط با آن شهر تاریخی. ریچارد فرای، بوریس گوشکا، اولوی پورتن، بختیار باباجانف، ولادیمیر فیلی موتف، ی. پورتو، آفانندیل اوکیفت، دکارت شیوک، ژان کالمار، رنه لتل، حبیبه فتحی، ژان لویی باگه گرامون، عاصم اورتیایف، دلازام، یوسفوا نویسندگان این دفترند. (مجله ضدو ضیاء، شماره ۱۰۰، ص ۱۰۰-۱۰۱) بخارای باستانی، شرح حال علی تکین، قراخانی، بازرگانان بخارا، معماری طاق صرافان، نقاشی در بخارا، نسخه های خمسه امیر علی شیر به مهاجران هوقند و شهر شیر، محمد بن حنفیه در مظاهر فلکلور، مسیونرهای صلحی، محافل صوفیه، اخبار تیموریان در منابع عثمانی،

دستنویسهای «خواججه عبیدالله احرار» پزشکی در «تاوراه التهور» و «خوارسان» از مواضع نوشته‌های آنان است.

Kings 'N Things

نام کنفرانسی است که «بنیاد کاروان» در روزهای ۲۵ و ۲۶ ژوئیه سال ۲۰۰۰ در نیویورک ترتیب داد درباره ایران باستان، خاصه روزگاران هخامنشی و پارتی. «بنیاد کاروان» در زرقه بزبانچه نوشته است برای اطلاع بر اسوال آن بنیاد با تلفن (امریکا) ۲۸۹۶۷۰۲ - ۵۱۶ صحبت کنید. یاب و شبلیه

B - Mail: Caravanik @ Aol. Com

بعضی از سخنرانیهام:

- R.N. Frye: مباحثشیان گمشدیه
- A.D.M. Diver: (۱) تأثیر تمیل در حماسه ایرانی (۲) آخرین ترتیب سالشماری شاهپور شهبازی
- T. Kawami: تفویم پادشاهی روزگاران پارتی و شاهنامه عوامل ناحیه‌ای در مجسمه‌های پارتی
- D.G. Sellwood: طرحهای بوتری و هنر عشایری

- N. Sims-Williams: اسناد تازه یاب باکتریایی پیش از اسلام در افغانستان
- J. Lemer: اسناد تازه یاب باکتریایی
- R. Salomon: روابط هندو ایرانی براساس سنگ‌های یافته شده در گندهارا
- M. Carter: هنر گندهارایی در یک متن تاریخی
- L. Adams: سکه‌های طلای کوشانی

آخرین کتاب آلمانی درباره شاهنامه از یورگن اهلرس Jürgen Ehlers که پیش از این کتاب ممتازی در نظاره طبیعت در شاهنامه نوشته بود، کتاب تازه Mit goldenem Siegel. Über Briefe, Schreiber und Boten in Sähname نام دارد. این نوشته در یکصد صفحه است و جزو سلسله معروف Beiträge zur Iranistik در شمار و انتشار آمده. این سلسله را که ورژر دار بنیاد نهاد اینک ایرانشناس ناموز Nicolas Sims - Williams ادامه می دهد. ناشر کتاب Reicher Verlag در شهر ویسبادن آلمان است.

کتاب تجسسی است دربارهٔ آیاتی از شاهنامه که فردوسی در آنها از نام و دین و قاصد و عوامل ارتباطات خبری ذکر کرده است.

هویت سیصد نسخه

فعالیت هشت سالهٔ انجمن پژوهشی نسخه‌های خطی ایران در «میان» با انتشار شمارهٔ «سامیر» ۱۹۹۹ بولتن آن چکیده‌وار به دسترس درآمده. گردانندهٔ این کار با ارزش B. Déroche فرانسوی است. این کار یا کمکهای مالی بنیاد ماکس فان پرخم (ژنو) نیز بخش شده است. در این دفتر که سالی دو بار انتشار می‌دهند Nouvelles des Manuscrits du Moyen - Orient نام وارد و همه زحمت تهیه و نشر آن بر دوش «دوروش» است.

طبق فهرستهایی که در دفتر اخیر انتشار یافته است سیصد نسخهٔ خطی درین هشت سال مورد بررسی نسخه‌شناسی و تعیین مشخصات جزئی و دقیق قرار گرفته.

جدول اول مشخصات سیصد نسخه است که ردیفی که نمونه‌ای عکسی از صفحهٔ وسط و یادداشت پایانی کاتب آن نسخه چاپ شده. این جدول حاوی شمارهٔ ردیف شهری نام کتابخانه و شمارهٔ کتاب و تاریخ تحریر آن است.

جدول دوم شناسایی زبانی نسخه‌هاست: عربی (دویست و شصت و پنج تا)، یونانی (یکی)، ترکی عثمانی (دو تا)، فارسی (بیست و هفت تا) و اسرانی (پنج تا). این جدول حاوی شمارهٔ نسخه و تاریخ کتابت و شمارهٔ ردیف عکس است.

جدول سوم نسخه‌های معرفی شده به ترتیب قدمت تاریخی است (تبدیل شده به تاریخ مسیحی).

این جدول حاوی تاریخ شهر و کتابخانه و شمارهٔ نسخه و شمارهٔ ردیف عکس است.

جدول چهارم نام مؤلفان و کاتبان و مذهبیان و مالکان هر یک است جدا جدا.

جدول پنجم اسامی جغرافیایی است مربوط به محل کتابت نسخه.

جدول ششم عنوان کتابهاست.

جدول هفتم مشخصات خاص نسخه‌هاست (صحنه‌ای، جدول، تذهیب، صفحه‌شماره -

تصویر - سطرکشی و جز آنها).

جغریات علمی غبیرا

یکی از ویرانه‌های باستانی کرمان که در آن آثار تمدنی پیش از اسلام و دورهٔ اسلامی به دست آمده غبیرا است در هفتاد کیلومتری جنوب کرمان و تقریباً بر همان جبهه که تل ابلیس دیدنی

دیگر باستانی آن ناحیه - قرار دارد. غبیرا در چهار دوره (فصل) توسط متخصصان مدرسه مطالعات شرقی دانشگاه لندن و مرکز باستانشناسی ایزان میان سالهای ۱۳۵۱ - ۱۳۵۵ مورد بررسی و زمین‌کنی قرار گرفت. حاصل مطالعات افرادی که در آنجا کار علمی انجام داده‌اند به صورت کتابی حجیم و مفصل و دقیق اخیراً انتشار یافته است. جامع و مؤلف کتاب A.D.H. Bivar است، استاد بازنشسته آن دانشگاه و از متخصصان نام‌آور در تاریخ و فرهنگ ایران پیش اسلامی. چندی پیش هم کتاب مهمی دربارهٔ میترا منتشر ساخت.

در تألیف کتاب چهار تن با بیوار همکاری کرده‌اند: پاتریکا بیکر - جزا فره‌واری - سوسن تیلر اسمیت - لیندا وولی.

طراحی‌های کتاب که مقدار معتناهی است توسط هفت تن از جمله مهرداد شکوهی انجام شده و همو به اصطلاح امروزیان کتاب را «ویراستاری» کرده است. نام کتاب چنین است

Excavations at Ghubayrā, Iran. London, 2000. 508 p.

مقدمهٔ کتاب به وضع جغرافیایی و جغرافیای تاریخی و شرح اقدام به این کار سترگ اختصاص دارد. کتاب در دو بخش است: توصیف حفریات و فهرست اشیاء به دست آمده (سکه‌های بیزانسی و اسلامی - برنز و فلزات - سفال - شیشه - عاج و استخوان - چوب - پارچه).

سادات و اشراف

مؤسسهٔ ایتالیائی شرق Istituto per l'Oriente در سال ۱۹۹۸ مجمعی علمی تشکیل داد که موضوع آن نقش سادات و اشراف در تاریخ و تمدن مسلمانان بود. مجموعهٔ خطابه‌هایی که در آنجا ایراد شد به اهتمام بانوی استاد ب. اسکارچیا آمورتی با همکاری لورا بوتینسی به صورت شمارهٔ دوم مجلهٔ معروف Oriente Moderno در سال ۱۹۹۹ انتشار یافت. متن بیست و چهارگفتار در آن به زبانهای انگلیسی و فرانسه و ایتالیایی چاپ شده است.

گفتارهای دانشمندان اروپایی و ممالک عربی اغلب دربارهٔ سادات نواحی افریقایی و آسیای جنوب غربی است.

از ایران آقایان علی رفیعی (علا مرودشتی) - سید احمد اشکوری - سید صادق اشکوری -

دکتر سید محمود مرعشی در آنجا خطابه خوانده‌اند در مواضع ذیل:

- اساس و منشأ نقابت اشراف

- کرامت سادات

- مهرها و القاب سادات

سه ایرانشناس هم سخنانشان دربارهٔ سادات ایران بود. ژان کالمار (فرانسوی) دربارهٔ خاندان

مرعشی صحبت کرد و اندرو نیومن (امریکایی مقیم انگلیس) درباره نقش در عصر صفوی. سومی کازوئو موریموتو ژاپونی است. این دانشمند چند سال مقیم ایران بود و درباره رجال و انساب سادات مطالعات پیوسته و گسترده کرد. به واقع نسابه‌ای شده است. مقاله او راجع است به گسترش مطالعات «طالبیه». او پیش از این مقاله‌ای در همین موضوع در مجله دانشکده ادبیات مشهد انتشار داده بود. اکنون که در مجمع مذکور در همان زمینه سخنان تازه گفته است به من نوشته است به فارسی:

«تیراز آپارت که ارسال می‌دارم همانطوری که در خود مقاله هم اشاره شده است نسخه انگلیسی آن مقاله سابق من است که در مجله ادبیات مشهد چاپ شد. ولی البته این یکی نسخه بعد از تجدیدنظر کلی است و امیدوارم ایرانیان انگلیسی‌دان آن مقاله سابق را دیگر منسوخ بدارند.»

نمایه‌های کمپیوتری

برای سهولت استخراج اسامی خاص اشخاص مندرج در کتابها مرسوم شده است که از کمپیوتر کمک می‌گیرند. در نتیجه فهرستهای کم‌فایده‌ای معمولاً تحویل می‌شود، زیرا درین رویه رسم شده است. در نمونه آخر زیر اسامی را چنانکه در متن آمده است خط می‌کشند و همان را کمپیوتر استخراج و ردیف می‌کند و تحویل می‌دهد. همه نابسامانیها معمولاً نتیجه آن است که صاحب کتاب به استخراج اعلام نمی‌پردازد. اگر هم خود او آن را انجام می‌دهد آن جزو از اسم را که باید مدخل قرار گیرد جدا و مشخص نمی‌سازد.

اسامی می‌باید از زواید عارض شده بر اسم مانند آقا و حاجی و ملا و میرزا و آخوند عاری باشد و علی‌الاصول بنابر نام خانوادگی یا شهرت ردیف گردد. اما درین فهرستهای کمپیوتری غالباً می‌بینیم اسامی به نام مرکب شخص با همه الحاقات پیش از اسم ضبط است. زیرا به این صورت به کمپیوتر فرمان داده شده است. این چنین فهرست بی‌فایده اگر نباشد کم‌فایده است. ناشران می‌باید از فهرست درآوردگان بخواهند که تفکیک اجزا اسم را رعایت کنند. اگر در وهله استخراج نتوانند آن کار را انجام دهند در غلط‌گیری روی کاغذ کارشان چند چندان دشوارتر و مغشوش‌تر خواهد شد، ولی شدنی است. مشکل عمده‌تر توجه به استخراج واژه‌هایی است که می‌تواند راهنمای مفاهیم و مواضع کتاب باشد. این امر مسلماً کار فهرست‌درآوران نیست. مؤلف باید زحمت آن را بر عهده بگیرد.

درین یکی دو سال چندین کتاب با این فهرستهای نابهنجار منتشر شده و جای افسوس است از وقت و کاغذ.

درگذشت گریناشی

ماریو گریناشی Mario Grignaschi ایتالیایی درگذشته، یکی از خاورشناسان برجسته در زمینه تاریخ تمدن و تفکر اسلامی و مخصوصاً تشکیلات و آداب دیوانی بود.

سفری به ایران آمد. در کنگره تاریخ اجتماعی و اداری ایران از عصر سلجوق تا عصر مغول که در همدان تشکیل شد (۱۳۵۶) شرکت داشت.

مطالعات گریناشی در مورد ورود آداب دیوانی عصر ساسانی به دوره اسلامی مشهورست و مقاله‌های معتبری در آن باب دارد. شادروان محمدتقی دانش‌پژوه به کارهای او اشاره و استناد کرده است. یکی از مقاله‌های او که به دوران پیش از اسلام مرتبط می‌شود در زمینه اطلاعات ملل اسلامی در خصوص اسکندریست. این مقاله در مجله Arabic Science and Philosophy به سال ۱۹۹۳ چاپ شده است.

از جمله کارهای او که در ایران انتشار یافت تصحیح و نشر رساله رسوم الرسائل و نجوم الفضائل از تألیفات حسن بن عبدالؤمن خویی است که در دربار سلاطین سلجوقی اناطولی از کارگزاران دیوان بوده است و تألیفات متعددی در ترس و امور دیوانی داشته است. این رساله با مقدمه فرانسوی آن دانشمند در مجله فرهنگ ایران زمین، جلد بیست و هشتم (۱۳۶۸) به چاپ رسیده است.

مردی عزلت‌گزین بود. در تریست زندگی می‌کرد. در سنی آن سوی هشتاد درگذشت.

قلم‌گریانی وزارت خارجه‌ایها

وزارت امور خارجه ایران به معنای جدیدش تأسیس دوره ناصرالدین شاه است و میرزا سعیدخان گرمزودی ایشلیقی انصاری نخستین وزیر آن. او مدت درازی درین سمت بود. اما سفیر و سفارت دامنه‌اش به روزگاری باز می‌گردد که شاهنشاهی ایران به وجود آمد و شاید پیش از آن هم آمد و شد سفیر مرسوم می‌بوده است.

از عصر تیموری گزارش غیاث‌الدین نقاش از مأموریت چین وجود دارد ولی بحث من در آن باره نیست، دو تن از قدیمی‌ترین سفارت‌نامه‌های ایرانی خطای نامه و سفینه سلیمانی است (از عصر صفوی). نویسندگان آنها مأموریت در نواحی چین و بلادی داشتند که امروز چین و تایلند و کامبوج و جز آن است. من باب تاریخچه عرض کردم.

از اعضای وزارت خارجه در سالهای اخیر تا آنجا که به یاد دارم جلال عبده، احمد میرفندرسکی، عبدالحسین مفتاح، پرویز عدل، حسین شهیدزاده، هوشنگ عبدالرضا مهدوی، مجید مهران (مصاحبه) خاطرات نشر کرده‌اند. مهران خاطرات خود را مبسوطاً و نکته‌سنجانه

نوشته است که می‌باید به چاپ برسد. و شاید دیگرانی که نامشان فعلاً در خاطریم نیست. پیش از اینان در عهد محمدرضا شاه پهلوی مرتضی مشفق کاظمی و عبدالحسین مسعود انصاری شرح زندگی خود را انتشار دادند. عبدالله مستوفی هم که مدت کوتاهی در روسیه عضو سفارت بود ضمن سرگذشت خود به شمه‌ای از خاطرات آن مأموریت پرداخت. مهدی فرخ هم کتابی درباره مأموریت خود از مأموریت چین (پس از جنگ دوم) نوشته است (البته به مرسوم خودش گنده‌پردازی فراوان کرده است). دکتر قاسم غنی که عضو وزارت خارجه نبود ولی به سفارت در مصر معین شد هم خاطراتی دارد که شهرت گرفت. البته به مناسبت آنکه خارج از قاعده نویسندگی مأموران رسمی سفارتی بود. دیگر به یادم نیست چنه کسانی ازین گروه مطالبی نوشته باشند. البته از محمد ساعد ساعده‌ای بعضی خاطرات به صورت مقاله نشر شده است. تقی زاده به اجمال و سر بسته نکته‌های در سرگذشت خود آورده است.

من از میان کتابهای نو وزارت خارجه‌ایها نوشته حسین شهیدزاده دوست دیرین و هم‌دوره دانشکده‌ام را که به «ره‌آورد روزگار» نام‌گذاری کرده است، خواندم. چون از قدیم به مراتب فضل و اخلاق او آشنا بودم انتظار جزین نمی‌رفت که نوشته‌اش خواندنی باشد و بود. مرحباً بر قلم توانا و درست‌نویس او، و آفرین بر کوششی که در گفتن خصائص اعمال وزارت خارجه آن دوره آورده است، بی‌آنکه قلم را از سرب‌بی‌عفافی و ناسزاگویی بگریزند. با نوشتن این کتاب و مخصوصاً ظرافتهای لفظی و معنوی که در آن هست نشان داد دیپلماتی حرفه‌ای شده بود.

آل‌زنجانی (یا) الزنجانی

با ستوده و اقتداری و اسلام‌پناه از غار کتله خور (نزدیکیهای سلطانیه) کوه به کوه به جانب حصار حسن‌آباد در ناحیه خرقان آمدیم. در آنجا دو بنای محتشم سلجوقی که «گور برج» اند بر جای مانده است. استرناخ انگلیسی نخستین معرّف علمی این دو برج بود. قسمتی از آبادیهای این منطقه روزگاری ملک‌خانم نجم‌السلطنه بود و به دکتر مصدق رسیده بود. ولی ایشان سالها سال پیش آنجا را فروخته بوده است.

این دو برج دارای کتیبه‌های آجرکاری به خط کوفی است یکی مورخ ۴۶۰ عمل محمدبن مکی‌الزنجانی و دیگری مورخ ۴۸۶ ساخته ابوعلی مکی‌الزنجانی. کلمه مکی آن هنوز برایم مسلم‌التقش نیست.

میراث فرهنگی قزوین لوحه‌ای پایه‌دار برای شناساندن این دو برج و کتیبه آنها نصب و نام معمار را نقل کرده است. ولی به جای «الزنجانی» نسبت مذکور را آل‌زنجانی خوانده‌اند و بر لوحه مذکور دوبار ضبط شده است. چون این نادرستی را ممکن است بینندگان نقل و ضبط کنند

امیدست از جانب میراث فرهنگی دستور تصحیح متن یا تعویض لوحه داده شود.

تنظیف شهر

در اوراق قدیمی که از خاندان میرزا موسی وزیر به عبدالعلی غفاری رسیده بود ورقه‌ای از عهد ناصرالدین شاه درباره امور مرتبط به تنظیف شهر به دستم آمد. برای خوانندگان طبعاً قابل توجه خواهد بود ازین حیث که ترتیب کارها در فاصله یک صد سال چه تفاوتها کرده است.

هو

اعلان عمومی است

بر حسب امر قدر قدر مبارک پندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه جمجاء اسلامیان پناه ارواح العالمین فداء به تمام ساکنین و عموم و خصوص اهالی دارالخلافه الباهرة طهران از اعلی و ادانی و وضع و شریف و عارف و عامی با کمال توقیر و احترام اعلان می شود. چون همواره اوقات در جزئی و کلی امورات و رموز مملکت داری استرفاه و آسایش خواطر قاطبه اهالی ممالک محروسه ایران منظور نظر مبارک همایون است هیچ وقت به قدر سرموئی در لوازم صلاحیت و مقتضیات آسایش اهالی مملکت خودداری نفرموده اند، و از آنجا که اهالی دارالخلافه طهران در هر باب به... فیوضات کامله خسروانی اقرب و مقدم واقع شده اند شایسته و زیننده آن است که اوامر و توامی دولت روزافزون را هم به واسطه قرب جوار به سایر اهالی بلاد محروسه در اطاعت و انقیاد سبقت جسته خوب ملاحظه و دقت نموده مطلع و ملتفت شوند که خاطر مهر مآثر ملوکانه تا چه درجه مصروف انتظام و انضباط امور مملکت و حفظ و بقای آسایش رعیت است.

پس به شکرانه این نعمت نامتناهی پیوسته بر مدارج ثنائجویی و مراسم دعاگویی دولت بخاورد عدت قاهره افزوده مفاد آیه کریمه لئن شکرتم لازیدنکم را حجت و برهان قاطع دانند. از جمله امور جزئی که گویا چندان مطمح نظر مردم نیست تنظیفات شهر دارالخلافه است که چندین امور مهمه در ضمن و تابع آن است که انتظام هر یک مورث نتایج حسنه، و بی ترتیب بودن آنها موجب اضرار و تنفر بل خطرات کثیره برای غالب مردم است.

در سنوات قبل در این ابواب ترتیبی ساری و جاری بود ولی چون مبالغی خرج مأمورین آن، اسباب ضرر و تحمیل به اهالی دارالخلافه می شد دولت علیه به ملاحظه صرفه و غبطه ناس آن ترتیب و اساس را منسوخ خواست. حالا رفته رفته از طریق مستقیمه پسندیده خارج و موجب زحمت و زحرت و تنفر مخلوق شده است. لذا دولت علیه محض آسایش خواطر رعیت مبلغی

خرج متحمل شده که شهریه و ملبوس و مواجب بدهد و ادارهٔ نظیفی برپا و مجزا نماید که تمام نقاط محلات و کوچه و بازار دارالخلافة الباهره همیشه پاکیزه و نظیف و منتظم و جریان امورات و حیات مقرون و از هر گونه بی‌اعتدالی مصون و به هیچ وجه تحمیلی به اهالی نباشد. ادارهٔ نظیف مشتمل است به یک نفر رئیس و شش نفر نایب و شصت نفر تائین که هر محله‌ای ده نفر تائین دارد و حدود معینه و گذر و کوچه‌های مشخصه سپرده به آنهاست. محلات طهران یا بیرون شهر پنج است و پنجاه نفر فراش و پنج نفر نایب دارند که هر ده نفر یک محله را مواظبت یا... نموده از خدمات مقرر خود غفلت نکنند، و ده نفر نیز برای اطراف راه آهن تراموه و مواظبت عقب کالسکه‌های عابرین و محترمین مقرر است که نایب مخصوص مواظبت دارد غفلت نکنند.

و در ازای این خدمات مواجبی کافی به طوری که محتاج به هیچ اخذ و جلب مداخل نباشند از دیوان همایون اعلیٰ در حق اجزای این اداره مقرر و منظور شده که ماه به ماه مرحمت می‌شود و این شصت و شش نفر نایب و تائین سپردهٔ یک نفر رئیس [است] که از هر حیث در قید مواظبت مأمورین و فطرتاً با تمام مردم مهربان و خیرخواه و فکر انجام خدمت و رد تعدی. نزد کارگزاران دولت علیه خواهد بود و خدماتی که در عهدهٔ آنهاست به قرار تفصیل ذیل است:

فصل اول - در هر گذر و محله که معدودی مواظبین ادارهٔ نظیف هستند مأمورند بر اینکه به صاحبان خانه‌ها بدون استئنا اعلان نمایند که هر کسی حدود خانهٔ خود را همه روزه صیح و عصر آب و جاروب کشیده و دفع خاشاک و زبیل نماید و خاشاک خانه‌ها را در کوچه‌ها نریزند و نیز خاشاکی که فعلاً در کوچه‌ها موجود است با اسباب حمل برداشته به خارج شهر ببرند. کسانی که نوکر و عملجات مخصوص دارند بدیهی است همه روزه بدون حاجت اعلان، در قید نظیف و رفع کثافت درب خانه‌هاشان خواهند بود. سایرین به محض ملاحظه اعلان و مجرد اخبار مأمورین باید مراقبت مخصوص داشته باشند که همیشه حدود خانه‌های خود را پاک و پاکیزه کرده اگر خرابی از قبیل نهر و سنگ نهر و چاه و امثال اینها داشته باشد عاجلاً ساخته و بی‌عیب کنند.

و هرگاه در یک کوچه و معبری فقیری سائل و بیوه زن بی‌بضاعت و امثال آن باشد و حدّ خانه‌اش خرابی پیدا کرده نتواند از عهدهٔ تعمیر برآید در عهدهٔ متمولین آن کوچه است که با هم در مخارج تعمیر آن معیت کرده رفع خرابی نمایند تا اسباب تنفر همسایگان و زحمت عابرین نبوده به آن فقیر بی‌استطاعت هم نیز تحمیل نشده همه جا پاک و پاکیزه و یکسان باشد.

فصل دوم - در جمیع بازارها و بازارچه‌ها هر یک از اصناف کسبه بلا استئنا بساط و اجناس و امتعهٔ خود را از حدود دکاکین جلو گذاشته داخل فضای بازار و معبر خلق کرده که اسباب زحمت

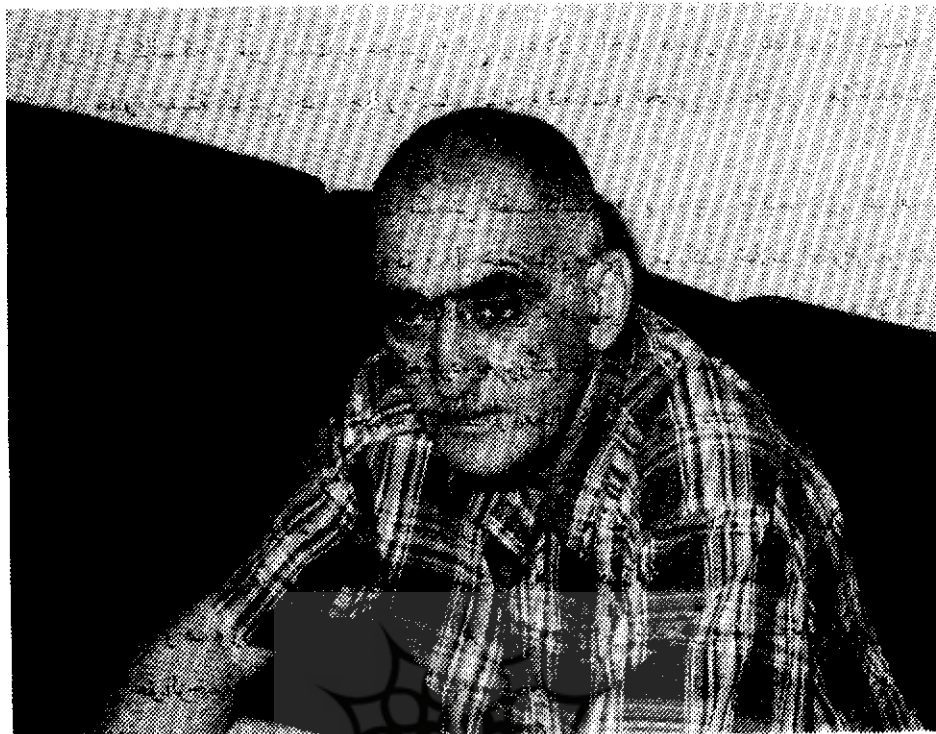
مال و بار و کالسکه و غیره است به محض اطلاع از اعلان و اخبار مأمورین تنظیف باید ضبط کرده از حدود معینه دکاکین خود تجاوز نکنند. چنانچه تخلف و تخطی نمایند مورد مؤاخذات کثیره اند.

فصل سیم - اطفالی که دایم الاوقات نشستن عقب کالسکه‌ها و دیدن و تماشای اطراف راه‌آهن تراموه را استیجاب بازیچه قرار داده در محل خطرهای جانی و مرتکب خلاف احترام نسبت به اشخاص محترم می‌شوند مکرر اتفاق افتاده است که در زیر چرخ تراموه زفته و به هلاکت رسیده‌اند، مأمورین تنظیف باید آنها را منع کرده به بزرگترانشان اخبار کنند که آنها را از این حرکت ممنوع و از هلاکت محفوظ دارند. چنانچه تخلف و اهمال کردند پدر یا برادر و یا بزرگتری از آنها محبوس و تنبیه سخت خواهد شد.

فصل چهارم - اکثر اوقات اطفال صغیر و صغیره مردم گم می‌شوند و نیز به اندک عقلی مالهای رعیت و مکاری و غیره مطلق‌العنان می‌گردند و صاحبان آنها به زحمت صعب و تزلزل گرفتار هستند و همه روزه چارچپها برای پیدا کردنشان چار می‌زنند اگر پیدا بشوند مبلغی وجه مزدگانی و حق الزحمه چارچی و غیره ضرر آنها است و هرگاه مفقودالایر شوند که مال و اجناس و... بندگان خدا از دستشان رفته موجب ملالتشان می‌گردد.

لذا تکلیف مأمورین اداره تنظیف این است که از صبح الی غروب آفتاب هر یک در حدود سپرده به خود مواظب شوند اطفال گم شده و مال و یارهای گم شده را بعد از آنکه یقین حاصل کردند صاحب [مال] عقب آنهاست و مطلق‌العنان هستند در مکان مقرره هر محله که نایب این اداره نشسته و مواظب است محترماً محفوظاً بدون تصرف در اسباب و ترتیب و احوال و اطفال آنها آنجا حاضر ساخته نگاه دارند تا صاحبان‌شان با نشانی صحیح برسند. پس از آنکه معلوم شد مال او است سالم‌اً بدون هیچگونه طمع و تحمیل و مزاحمت به او سپرده نوشته رسید بگیرند تا همیشه مال، و بار غریب و بومی و اطفال و قاطنین در مهد امان و خواطر صاحبان آنها مطمئن و آسوده و از پیدا کردن تکلیف معلوم باشد.

فصل پنجم - در اوقات گردش، مأمورین تنظیف هرگاه احدی از اصناف کسبه را ببینند که با مشتری در کم دادن گفتگو و منازعه دارد باید در کمال آرامی و درستی برود و آن شیء را با صاحب مال و مشتری به دکان دیگر برده با سنگ تمام میزان کند. چنانچه تمام است به دست مشتری داده روانه نماید و هرگاه کم داده است مقدار کمی را باید شخص بایع ضمیمه کرده به سنگ تمام تسلیم مشتری نماید و راپورت این مطلب [را] رئیس اداره پیبرد که به مقتضای



تکلیف از شخص کم فروش مؤاخذه نماید و اگر از طرفین به خلاف قانون مسطورہ رفتاری ناهنجار بروز کند مورد مؤاخذه شدیده خواهد شد.

فصل ششم - اگر از مأمورین این اداره به مقتضای تکالیف خود در هر یک از فقرات مقررہ اقدام و اعلان بشود و از طرف احدی برخلاف نظم و معقولیت و قانون تمکین حرکتی به ظهور برسد و یا اقدام در هر یک از فقراتی که راجع به او است مهمل گذارده انجام ندهد مؤاخذه سخت از او می شود. (ناظر مخصوص داریم)!

فصل هفتم - چون از کارگذاران دیوان اصلی مواجب کافی به اجزاء تنظیف داده می شود حق اینکه دیناری به هر اسم و رسم از احدی بگیرند ندارند. فقط اجزای این اداره برای این است که در فقرات مقررہ محصل [باشند] و ترتیب دستورات عملی که به آنها داده شده به دست صاحبان خانه ها و کوچه و بازارها منجری و قرین انجام شود. فی عشر اول شهر ربیع الاول ۱۳۰۹

میرزا حبیب اصفهانی

در شهر کرد مجمعی به یاد میرزا حبیب اصفهانی برگزار شد (مرداد ۷۹) و هشت خطابه و



۳ مرداد ۱۳۷۹ شهرکرد

کنگره بزرگداشت میرزا حبیب داستان بنی

اناره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان چهارمحال و بختیاری

۵۸

سخنرانی ایراد شد. بسیاری اهالی محل از پیر و جوان در جلسات حضور داشتند. مخصوصاً دختران دانشجو زیاد بودند. سخنرانیه‌ها دو گونه بود. دسته‌ای آنها بود که نقد و بحث سبک‌شناسانه بود درباره ترجمه استادانه، زیرکانه و هنرمندانه حاجی بابای اصفهانی. دسته دیگر مرتبط به زندگی و سرگذشت میرزا حبیب بود.

درین دسته، آنها قابل توجه و دارای تازگی بود که کوشیده شده بود اطلاعات محلی راجع میرزا حبیب در خلال مطالب عرضه شود. مانند آنچه احمدقلی اکبری بنی گفت. او از مسموعات محلی درباره میرزا و خاندانش که اینک نشانی از آنها در آبادی (بن) نیست مطالب مفیدی گرد کرده بود. مانند اینکه او از طایفه علی بیگلر قوه‌باغی بوده است. یا مانند آنچه آقای بابک زمانی‌نژاد گفت براساس جنگ معتبر یکی از همروزگاران حبیب به نام عثمان سامانی. گردآورنده این جنگ خود شاعری بود از اهل سامان (نزدیک بن). از آن جنگ اخبار ناشنیده‌ای درباره میرزا حبیب به اطلاع حاضران رسید. آقای زمانی‌نژاد درصددست این جنگ عصری و محلی را چاپ کند. امیدوارست اداره فرهنگ و بختیاری از مساعدت مالی دریغ ندارند. نشر و پخش چنین کتابی دست‌کم نخواهد داشت از برگزاری تجمعی مانند آنچه در شهر کرد به خوبی انجام شد. کتاب ماندگارست و کنگره گذرنده.

همه‌جا بر پرده‌ها و دیوارها نام میرزا حبیب اصفهانی را میرزا حبیب بنی‌داستان نوشته بودند.



وزارت فرهنگ و هنر

شماره ۳۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ ۱۳۵۰/۱۲/۱۲
پست

به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
از مرکز اطلاعات
موضوع روزنامه‌های دوران صفویه

چون مرکز اطلاعات بمنظور تکمیل پرونده‌های آرشیویدارک به تعدادی از اسناد مربوط به دوران صفویه احتیاج دارد، خواهشمند است روزنامه‌های دوران صفویه را جهت نسخه برداری بمدت ۲۸ ساعت به نمایندگی این مرکز آقای محمد به نژاد تحویل فرمایند. قبلاً از همکاری که در این باره مبذول میفرمایید سپاسگزار می‌گردد.

منوچهر صلاحی
از طرف
رئیس
مدیرکل مرکز اطلاعات

ورود بدفتر کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد
شماره ۱۵۵۶ / تاریخ ۱۳۵۰/۱۲/۱۲

دستان تخلص میرزا بوده است و «بن» نام آبادی است که میرزا در آنجا زاده شده بود. اما این شخص خود را به اصفهانی منسوب و مشتهر ساخته بود. دیگران هم او را میرزا حبیب اصفهانی می‌شناخته‌اند و در تاریخ ادبیات ایران به چنین نام آوازه مند شده است. چرا باید در چنین موردی صاحب تساهل نباشیم. تغییر آن به «بنی» موجب ناپسامانیهای ادبی خواهد بود و درست نیست. امیدواریم اگر مجموعه مقالات مجمع را به چاپ می‌رسانند با نام میرزا حبیب اصفهانی چاپ کنند که نامی شناخته و تثبیت شده است. به مناسبت تشکیل مجمع رساله‌ای هم به چاپ رسانیده‌اند حاوی پژوهشهایی که پیش ازین درباره میرزا حبیب اصفهانی انجام شده بوده است.

مجسمه‌ای هم از او درست کرده‌اند که در میدان بزرگ آبادی «بن» برپا قرار گرفته است. اما اینکه در ورقه کوچک معرفی او نوشته‌اند: «اکثر آثار ایشان به هشتاد زبان زنده دنیا به چاپ رسیده و توزیع شده است» حکم شوخی دارد. اگر میرزا زنده بود آن را به جای طنز در مجموعه نوادر و خود ضبط می‌کرد.

در آبادی «بن» نسخه خطی مفتاح‌الفلاح با رقم حبیب‌الله بن اسدالله البنی ۱۲۷۸ به دست آمده است و گفته می‌شود خط روزگار جوانی اوست. می‌دانیم میرزا حبیب کتابت می‌کرده است. در ایامی که در استانبول می‌بود مقداری از متون

ادبی و شعری قدما را خود نوشته یا به دست میرزا آقاخان نویسنده بوده است. آن نسخه‌ها اکنون در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول نگاه‌داری می‌شود و آقای توفیق سبحانی همه را در فهرستی که از نسخه‌های خطی آن کتابخانه توسط مرکز نشر دانشگاهی طبع شده است به معرفی رسانیده است.

روزنامه‌های دوران صفویه

در میان اوراق خود می‌گشتم فتوکپی نامه‌ای از وزارت اطلاعات و جهانگردی مربوط به سال ۱۳۵۷ به دستم افتاد. خواندنی است ازین حیث که میان اعضای آن وزارتخانه تصور برین بوده است که در دوره صفویه روزنامه در ایران چاپ می‌شده و نمونه‌هایی از آنها در کتابخانه مرکزی موجود بوده است. آن روزنامه‌ها را خواسته بودند که از آنها عکس تهیه کنند.

لغات عامیانه و محمد قزوینی

دیدم در بخارای دوازدهم حضرت بهاءالدین خرمشاهی گفتاری مبسوط درباره فرهنگها و مجموعه‌های منضبطی که دربرگیرنده لغات عوامانه است طرح کرده است. این نوشته ارزشمند که با چاشنی لغوی عامیانه ممزوج شده به مناسبت انتشار کتاب «جا افتاده» ابوالحسن نجفی به رشته تحریر درآمده.

چون آقای خرمشاهی تقریباً همه نامها را آورده و نام محمد قزوینی از درج کلام او فرو مانده است باید عرض کنم مرحوم قزوینی با ذوق و علاقه‌مندی امثال و حکم و اصطلاحات رایج عامیانه را در دفتر یادداشت خود ضبط می‌کرده است و حدود هزار تا ازین قبیل را در مجموعه مسائل برلینیه نوشته بوده است. آنها را در جلدهای هشتم و نهم یادداشتهای قزوینی می‌توان دید.